

پی‌یر بوردیو

نظریهٔ کنش

دلایل عملی و انتخاب عقلانی

مرتضی مردیها



انتشارات نقش و نگار

فهرست

۷	مقدمه مترجم
۱۹	پیش‌گفتار
۲۵	بحث یکم فضای اجتماعی و فضای نمادین
۲۹	واقعیت شبکه‌ای از روابط است
۳۹	مطلق طبقات
۴۶	پیوست سرمایه سیاسی در کشورهای «شورایی»
۵۳	بحث دوم سرمایه جدید
۵۶	مدرسه، حن ماکسول
۶۲	هری یا پول
۷۲	پیوست فضای اجتماعی و حوزه قدرت
۷۹	بحث سوم نه سوی یک علم آثار فرهنگی - هری
۸۱	اثر هری همچون متن
۸۶	تقلیل یک اثر هری نه جای-گاه آن
۹۰	ریرحهان ادبی
۹۱	موضع‌ها و موضع‌گیری‌ها
۹۷	حوزه انتهای قرن
۱۰۱	جهت تاریخ

۳۰۱	امتیاز امر جهان شمول
۳۰۷	ضرورت منطقی و الزام اجتماعی
۳۱۱	مسای متناقض نمای اخلاق
۳۱۹	صمیمه
۳۲۰	یکم جامعه شناسی و جامعه شناسی علم
۳۳۰	دوم روشنفکران و دولت
۳۴۰	نمایه

۱۰۵	امکانات و خط سیرها
۱۰۹	پیوست یکم توهم رنگی نامه ای
۱۲۱	پیوست دوم گسست دوسویه
۱۳۱	بخش چهارم پیدایش و ساختار حورۀ دیوان سالاری
۱۳۸	شک ریشه ای
۱۴۱	انباشت سرمایه
۱۵۴	سرمایه نمادین
۱۶۵	ساختن و پرداختن دولتی دهش ها
۱۷۶	انحصاری کردن انحصار
۱۸۰	پیوست روح جانواده
۱۹۷	بخش پنجم: آیا کسب بی عرض ممکن است؟
۱۹۸	سرمایه گذاری
۲۰۵	علیه فایده گرایی
۲۱۸	بی عرضی همچون اشتیاق
۲۲۲	بهره های جهان شمول شدن
۲۲۸	پیوست مصاحبه در باب رفتار، رمان و تاریخ
۲۳۵	بخش ششم سرمایه ثروت های نمادین
۲۳۹	هدیه و بده-بستان
۲۴۹	کیمیاگری نمادین
۲۵۴	حق شناسی
۲۵۸	تانوی محاسبه
۲۶۷	هر حالص و هر تجاری
۲۷۲	حده اسقفان
۲۸۷	بخش هفتم نقطه نظر مَدْرَسِی
۲۸۹	حدی ناری کردن
۲۹۳	تئوری نقطه نظر تئوریک

قرائتی عام‌نگر فراهم آمده است الگوی نظری این تحقیقات شباهت‌های معمول «تئوری‌های بزرگ»، از جمله فراغت از هرگونه ارجاع به واقعیت تحریمی، را در خود ندارد در اینجا، تعبیری همچون فضای اجتماعی، فضای نمادین یا طبقه اجتماعی هرگز به خودی خود یا برای خود مورد بررسی قرار نگرفته است، این مفاهیم در قالب پژوهشی محکم حورده است که به گونه‌ای حدایی‌ناپذیر هم نظری است و هم تحریمی، و در نارهٔ موضوعی است که در رمان و مکان خاص قرار دارد، یعنی فراسهٔ سال‌های دههٔ ۱۹۷۰، و روش‌های متعدد مشاهده و اندازه‌گیری، اعم از کمی و کیفی، آماری و مردم‌نگاری، جامعه‌شناسی کلان و حرد، و غیره را به کار گرفته است حاصل این تحقیق در قالب رمانی که شماری از جامعه‌شناسان، به خصوص آمریکایی‌ها، ما را به آن عادت داده‌اند و ظاهر عام و قانون‌وار آن صرفاً ناشی از انهام^۱ یک لغت‌نامهٔ غیر دقیق و بد تنظیم‌شده از کاربرد عادی مفاهیم است، عرصه شده است، - به عنوان مثال به مفهوم شعل اشاره می‌کند [تعبیری که قاعده‌ساری کلی در نارهٔ آن از طریق آمار و ارقام، در جامعه‌شناسی آمریکایی، تا حدودی به یمن حالت کشسان این مفهوم در استعمال عرفی است، در حالی که رمان چندوجهی کتاب تمایر^۲ به کمک یک موتاژگفتمانی که تالوی آماری، عکس و مصاحبه را در کنار رمان انتزاعی تحلیل قرار داده است، تواسته است، انتزاعی‌ترین امور را در کنار ملموس‌ترین امور قرار دهد، مثلاً عکس‌گرفتن از رئیس‌جمهور وقت در حالی که مشغول ناری تیس است یا مصاحبه با یک نابوا را، در کنار انتزاعی‌ترین و صوری‌ترین تحلیل از قدرت تولیدکنندگی و یکسان‌کنندگی عادت‌واره^۲

من در این بحث، در نارهٔ فراسه سخن می‌گویم، نه در نارهٔ ژاپن، اما به نه این دلیل که در فراسه راده شده‌ام و نه رمان فراسه سخن می‌گویم، بلکه به این دلیل که در نارهٔ این کشور مطالعات فراوان داشته‌ام اما آیا این به معنای آن است که من خود را در میان ویژگی‌های یک جامعهٔ خاص حس می‌کنم و سحس ناظر به منظور دیگری بیست؟ گمان نمی‌کنم به نظر می‌رسد، با طرح کردن الگوی فضای اجتماعی و فضای نمادین، که من در اصل آن را برای مورد خاص فراسه بر ساخته‌ام، با شما در نارهٔ ژاپن، (همچنان که در نارهٔ آمریکا یا آلمان) بر سخن حواهم گفت مثلاً اگر من از اسان آکادمیک فراسوی برای شما صحبت کنم، گرچه آن را پر از اشارات خاص حواهد یافت، در عین حال من شما را کمک حواهم کرد تا از یک حواش ویژگی بگر فراتر بروید، به سوی نگرشی عام، در مورد عموم کشورهای صععی، که نقطهٔ مقابل کثیری از نگرش‌هایی است که نوعی خاص‌گرایی بومی را در مورد کشور ژاپس القا می‌کند

فعالیت علمی و تحقیقاتی من، به ویژه کتاب تمایر^۱، در چارچوب چنین

1- Indetermination

2- Habituse

1- La Distinction

تمام میراث علمی من از این عقیده مایه گرفته است که منطق عمیق دنیای اجتماع را نمی‌توان به چنگ آورد مگر این که در ویژگی‌های یک واقعیت تحریری که به لحاظ تاریخی رمان و مکان مشخص دارد، عور کنیم، اما ما این هدف که آن را، ما به تعبیر گستون شلار^۱، به صورت «مورد خاص ممکن الوقوع» درآوریم، یعنی مورد خاصی که می‌تواند موارد مشابه داشته باشد بر این مسا، تحلیل فصای اجتماعی، آن‌گونه که من آن را با تکیه بر فراسه دهه هفتاد پیشهاد می‌کنم، یک تاریخ مقایسه‌ای است که به رمان حال هم قابل کارست است، یک اسان‌شناسی مقایسه‌ای است که به یک مورد خاص فرهنگ تمسک می‌کند برای این که سرانجام نتواند یک ساختار ثابت را از متعیرهای مشاهده‌شده استخراج کند

اگرچه این روش، ما به طواهر، این استعداد را دارد که اتهام «معیار قرار دادن اروپا برای جهان»^۲ را متوجه خود کند، اما من به حد عقیده دارم که کارست الگویی که بر اساس این منطق به دست آمده است، به یک دنیای اجتماعی دیگر (مثلاً فراسه نه ژاپن)، در قیاس با کارهایی که صرفاً به ویژگی‌های خاص یک جامعه می‌پردازد و به نوعی بومی‌گرایی متوسل می‌شود که متنی بر تفاوت‌های تئوریک است، هم به واقعیت تاریخی وفادارتر است و هم عایدی علمی بیشتری دارد، مثلاً پرداختن به مشابهت‌های ساختاری ژاپن با سایر کشورهای صنعتی سست به پرداختن به ویژگی ژاپنی تحت نام «فرهنگ لدت» پژوهشگری که سست به کسانی که با پدیده‌های عریب بومی تنس می‌کنند، هم متواضع‌تر است و هم بلندپروارتر، در پی آن است که ساختارها و ساختارهایی را درک کند که، نه دلایل متفاوت، هم از

1- Gaston Bachelard

2- Ethnocentrisme

چشم افراد بومی می‌گیرید و هم از چشم افراد خارجی، مثل ارکان تولید فصای اجتماعی یا ساختارهای نارتولید آن فضا که در قالب الگویی عرصه می‌شود که داعیه‌دار نوعی اعتبار عام جهانی است چنین پژوهشگری و چنین الگویی قادر است تفاوت‌های واقعی را که ساختارها و اسرارهای آن (عادت‌واره‌ها) را از هم تفکیک می‌کند، شانه‌گذاری کند و اصول هریک را به در تعرد طابع — اعم از رنده و غیر رنده — بلکه در ویژگی‌های تاریخ‌هایی جستجو کند که در عین حال هم جمعی است و هم متفاوت

واقعیت شبکه‌ای از روابط است

بر اساس چنین حط‌مشی‌ای است که من الگوی خود را، که در کتاب تمایز طراحی کرده‌ام، معرفی خواهم کرد، این کار در ابتدا شامل تلاش برای مخالفت با حواشی «دات‌گرا»^۱ است که تحلیل ساختاری، یا به تعبیر بهتر تحلیل رابطه‌ای را حاشین آن می‌کند، اشاره من به تقابلی است که ارست کاسیرر^۲ میان «تصورات دات‌گرا» و «تصورات کارکردی یا رابطه‌ای» برقرار می‌کند برای تهیم بهتر آنچه در نظر دارم، اشاره می‌کنم که قرائت «دات‌گرا» و به روایت حام‌گرایانه، واقع‌گرا، قرائتی است که هر عملی، مثلاً ناری‌گلف، و هر مصرفی، مثلاً عدای چیبی، را به خودی‌خود و برای خود مورد ملاحظه قرار می‌دهد، آن را مستقل از جهان رفتارهای قابل‌حایگری در نظر می‌گیرد و تطابق میان حایگاه اجتماعی (یا طبقات اجتماعی که به عنوان مجموعه‌های جوهری — قائم به دات، غیر سسی — پداشته شده است)، و سلیقه‌ها و رفتارها را به صورت روابط مکابیکی و مستقیم تصور می‌کند، اما در قالب منطق

1- Substantialiste

2- Ernest Cassirer